

به نام یزدان پاک

همه سوال‌های

مطالعات زنان

(جلد ۲)

۱۳۹۵-۱۳۹۷

تالیف و تدوین
گروه مولفین حدیث پرداز

همه سوال‌های مطالعات زنان (جلد ۲) - ۱۳۹۷-۱۳۹۵

تالیف و تدوین: گروه مولفین حدیث پرداز
ناشر: حدیث پرداز
چاپ اول: ۱۴۰۳
تعداد: ۱۰۰
حروفچینی: حدیث پرداز
لیتوگرافی: حدیث پرداز
چاپ و صحافی: حدیث پرداز
قیمت: ۴۰۰۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ و متعلق به نشر حدیث پرداز است.

سرشناسه: گروه مولفین حدیث پرداز
عنوان و پدیدآور: همه سوال‌های کارشناسی ارشد مطالعات زنان (جلد ۲)
تالیف و تدوین: گروه مولفین حدیث پرداز
مشخصات نشر: تهران: نشر حدیث پرداز، ۱۴۰۳
مشخصات ظاهری: ۱۶۰ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۱۴۹۳-۸-۶
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع: مطالعات زنان - آزمون‌ها و تمرین‌ها (عالی)
موضوع: مطالعات زنان - راهنمایی آموزشی (عالی)
موضوع: آزمون‌های دوره‌ای تحصیلات تکمیلی -- ایران
موضوع: دانشگاه‌ها و مدارس عالی -- آزمون‌ها
رده‌بندی کنگره: ی ۱۴۰۳م ۱۵۷ ش / LB۲۳۵۳
رده‌بندی دبویی: ۳۷۸/۱۶۶۴
شماره کتابخانه ملی: ۱۱۶۰۸۲۶

نشر حدیث پرداز

تهران: میدان انقلاب، خیابان فروردین، خیابان شهدای ژاندارمری، روبه‌روی اداره پست، پلاک ۱۳۲ و ۱۳۰

تلفن: ۶۶۹۷۵۵۶۶ (۱۰۰ خط) دورنگار: ۶۶۴۰۷۴۰۸

فهرست مطالب

آزمون کارشناسی ارشد مطالعات زنان ۱۳۹۵

۱۵۹	 مبانی و نظریه‌های جامعه‌شناسی
۱۶۱	 پاسخ‌نامه مبانی و نظریه‌های جامعه‌شناسی
۱۷۲	 روش تحقیق
۱۷۴	 پاسخ‌نامه روش تحقیق
۱۸۲	 حقوق زن در اسلام
۱۸۵	 پاسخ‌نامه حقوق زن در اسلام
۱۹۴	 مبانی روان‌شناسی
۱۹۶	 پاسخ‌نامه مبانی روان‌شناسی

آزمون کارشناسی ارشد مطالعات زنان ۱۳۹۶

۲۰۳	 مبانی و نظریه‌های جامعه‌شناسی
۲۰۵	 پاسخ‌نامه مبانی و نظریه‌های جامعه‌شناسی
۲۱۶	 روش تحقیق
۲۱۸	 پاسخ‌نامه روش تحقیق
۲۱۳	 حقوق زن در اسلام
۲۱۶	 پاسخ‌نامه حقوق زن در اسلام
۲۲۸	 مبانی روان‌شناسی
۲۳۰	 پاسخ‌نامه مبانی روان‌شناسی

آزمون کارشناسی ارشد مطالعات زنان ۱۳۹۷

۲۳۶	 مبانی و نظریه‌های جامعه‌شناسی
۲۳۸	 پاسخ‌نامه مبانی و نظریه‌های جامعه‌شناسی
۲۵۰	 روش تحقیق
۲۵۲	 پاسخ‌نامه روش تحقیق
۲۶۱	 حقوق زن در اسلام
۲۶۴	 پاسخ‌نامه حقوق زن در اسلام
۲۷۳	 مبانی روان‌شناسی
۲۷۵	 پاسخ‌نامه مبانی روان‌شناسی
۲۸۵	 منابع

آزمون کارشناسی ارشد مطالعات زنان ۱۳۹۵

مبانی و نظریه‌های جامعه‌شناسی



۲۷۰. ماکس وبر، طبقه‌بندی انسان‌ها در گروه‌های منزلتی را مبتنی بر کدام مورد می‌دانند؟
(۱) الگوهای مصرف (۲) اقتدار (۳) منافع اقتصادی (۴) منافع طبقاتی
۲۷۱. ماکس وبر در تدوین و ارائه الگوی آرمانی خود چه هدفی را دنبال کرده است؟
(۱) معرفی یک جامعه آرمانی (۲) تدوین تئوری برای تبیین عقلانیت (۳) تدوین تئوری برای تبیین بوروکراسی (۴) ساختن ابزاری برای مطالعات تطبیقی
۲۷۲. کدام گزینه نمایانگر دیدگاه ماکس وبر نیست؟
(۱) کنش اجتماعی موضوع جامعه‌شناسی است. (۲) کنش اجتماعی دارای جنبه عینی و ذهنی است. (۳) کنش اجتماعی با روش درون فهمی قابل بررسی است. (۴) کنش اجتماعی همان رفتار کاملاً معنادار است.
۲۷۳. کدام گزینه در مورد نمونه آرمانی وبر صحیح نیست؟
(۱) نمونه آرمانی وابسته به زمان و مکان است. (۲) نمونه آرمانی با مفهوم علیت جزئی با تحلیلی پیوند دارد. (۳) نمونه آرمانی با مفهوم علیت نام پیوند دارد. (۴) نمونه آرمانی یک نمونه اخلاقی و فاضله نیست.
۲۷۴. اصطلاح «کدهای زبانی گسترده» به وسیله چه کسی مطرح شد؟
(۱) برنشتاین (۲) ویلیس (۳) گیدنز (۴) کازنو
۲۷۵. بر اساس کدام نظریه، انسان‌ها در فرایند اجتماعی شدن نقش فعالی ایفا می‌کنند؟
(۱) کارکردگرایی (۲) کنش متقابل نمادین (۳) تضاد و کشمکش (۴) مبادله تبادل
۲۷۶. از دیدگاه پارسونز، کارکرد تطبیق با محیط توسط کدام ساختار صورت می‌گیرد؟
(۱) اقتصاد (۲) سیاست (۳) عرف (۴) دین
۲۷۷. کدام گزینه در مورد هندسه اجتماعی زیمل صحیح است؟
(۱) گروه سه نفره بر کنش متقابل و بی‌واسطه استوار است. (۲) در گروه دو نفره حیات فراشخصی وجود ندارد. (۳) در گروه سه نفره اظهار فردیت امکان‌پذیر است. (۴) در گروه دو نفره دیالکتیک آزادی و الزام اعمال می‌شود.
۲۷۸. به نظر دور کیم، همراه با گسترش تقسیم کار چه اتفاقی رخ می‌دهد؟
(۱) یافت فرهنگی جامعه پوسیده می‌شود. (۲) فردگرایی بیمارگونه شایع می‌گردد. (۳) از همبستگی اجتماعی کاسته می‌شود. (۴) اشکال جدیدی از همبستگی ایجاد می‌شود.
۲۷۹. به نظر مارکس، مبنایی که نظام‌های قشربندی اجتماعی بر آن استوارند، چیست؟
(۱) نبرد طبقاتی (۲) میزان آگاهی طبقاتی (۳) رابطه میان انسان‌ها و ابزار تولید (۴) رابطه میان کارگران و سرمایه‌داران
۲۸۰. این تعبیر که «یک شخص هر چه در گذشته نزدیک، پاداش معینی را بیشتر دریافت کرده باشد. همان پاداش در آینده برای کم ارزش‌تر خواهد شد». مربوط به کدام یک از قضایای مورد نظر هومنز است؟
(۱) قضیه محرک (۲) قضیه ارزش (۳) قضیه موفقیت (۴) قضیه محرومیت- سیری



۲۸۱. مفاهیم تعادل خالص و هم‌گروهی‌های آمرانه تنظیم شده، به ترتیب، به کدام جامعه‌شناسان تعلق دارد؟
 (۱) کالینز - پارسونز (۲) مرتون - دارندورف (۳) گرامشی - مرتون (۴) دارندورف - کالینز
۲۸۲. واحدهای بنیادی پارسونز در بررسی نظام اجتماعی کدام موارد هستند؟
 (۱) نقش - نظارت (۲) نقش - کار کرد (۳) نقش - منزلت (۴) نقش - کنشگر
۲۸۳. کدام متغیرها در نظریه‌گیدنز، متغیرهای تعیین‌کننده به شمار می‌روند؟
 (۱) زمان و مکان (۲) عاملیت و ساختار (۳) قدرت و ذهنیت (۴) آگاهی عملی و عملکرد
۲۸۴. اینکه بنابر تعبیر زیمل صلح و دشمن، درگیری و آرامش، سنت‌خواهی و سنت‌شکنی بخش‌های سازنده زندگی اجتماعی هستند، نشانگر چیست؟
 (۱) جامعه‌شناسی نظم (۲) سنخ‌شناسی اجتماعی (۳) رویکرد دیالکتیکی (۴) جامعه‌شناسی صوری
۲۸۵. از نظر دورکیم فرهنگ‌های که تقسیم کار ناچیزی دارند و از انسجام برخوردارند.
 (۱) سنتی - ارگانیکی (۲) سنتی - مکانیکی (۳) مدرن - مکانیکی (۴) مدرن - ارگانیکی
۲۸۶. کدام مفهوم به معنی واکنش دیگران نسبت به رفتار فرد است که سبب وفاداری او به هنجارها می‌شود؟
 (۱) کجروی (۲) قشربندی (۳) ضمانت اجرا (۴) نژاد پرستی
۲۸۷. به نظر دورکیم، عامل اصلی پیوند در جهان نوین چیست؟
 (۱) تقسیم کار (۲) وجدان جمعی (۳) باورهای مشترک (۴) اخلاق فردی
۲۸۸. مفهوم «گروه نخستین بوسیله کدام نظریه‌پرداز مطرح گردیده است؟
 (۱) وبر (۲) کولی (۳) دورکیم (۴) پارسونز
۲۸۹. عامل بوجداد آورنده طبقه اجتماعی چیست؟
 (۱) کنش متقابل (۲) گروه منزلتی (۳) روابط اجتماعی (۴) منافع اقتصادی
۲۹۰. دید مستقل و غیرشخصی جامعه‌شناس نسبت به موضوع مورد مطالعه خود، چه نامیده می‌شود؟
 (۱) اعتبار (۲) عینیت (۳) پایایی (۴) طرد حقایق مطلق
۲۹۱. احساسات ریشه‌دار مشترک بین انسان‌ها را چه می‌نامند؟
 (۱) ارزش‌ها (۲) عرف (۳) آداب و رسوم (۴) هنجارهای مطلوب
۲۹۲. پایگاه اجتماعی یک فرد در جامعه، با کدام مورد همخوانی دارد؟
 (۱) نقش (۲) منزلت (۳) موقعیت فردی (۴) طبقه
۲۹۳. کدام گزینه ویژگی جامعه مبتنی بر همبستگی مکانیکی نیست؟
 (۱) جمع‌گرایی (۲) فردگرایی (۳) ساختار قطاعی (۴) مجازات تنبیهی
۲۹۴. کدام نوع خودکشی ناشی از ادغام کم و یکپارچگی نازل در جامعه است؟
 (۱) تقدیر‌گرایانه (۲) دگرخواهانه (۳) خودخواهانه (۴) آنومیک



۲۷۰. گزینه ۱)

دلیل صحت گزینه ۱:

ماکس وبر، جامعه‌شناس آلمانی، در نظریه طبقه‌بندی خود، منزلت (Status) را به عنوان پایه‌ای برای طبقه‌بندی افراد در جامعه معرفی می‌کند. منزلت به جایگاه اجتماعی فرد در یک نظام سلسله مراتبی اشاره دارد و بر اساس افتخار اجتماعی، سبک زندگی و الگوهای مصرف تعیین می‌شود.

وبر معتقد بود که افراد در جامعه بر اساس نحوه‌ی گذران زندگی، نوع لباس، سلیقه‌ها و عادات مصرفی خود در گروه‌های منزلتی مختلف طبقه‌بندی می‌شوند.

به عبارت دیگر، منزلت نشان می‌دهد که فرد در نظام سلسله مراتبی جامعه چه جایگاهی دارد و از چه میزان احترام و اعتبار اجتماعی برخوردار است.

دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۲: اقتدار به توانایی اعمال قدرت و کنترل بر دیگران اشاره دارد. اگرچه اقتدار می‌تواند در تعیین منزلت فرد نقش داشته باشد، اما وبر آن را به عنوان معیار اصلی طبقه‌بندی منزلتی نمی‌دانست.
 - گزینه ۳: منافع اقتصادی به سود و منفعت مادی فرد در جامعه اشاره دارد. منافع اقتصادی می‌تواند تا حدی در تعیین منزلت فرد نقش داشته باشند، اما وبر معتقد بود که منزلت فقط به ثروت و دارایی فرد محدود نمی‌شود.
 - گزینه ۴: منافع طبقاتی به منافع مشترکی که افراد در یک طبقه اجتماعی دارند اشاره دارد. منافع طبقاتی می‌تواند تا حدی با منزلت فرد مرتبط باشند، اما وبر منزلت را به عنوان معیاری فراتر از طبقه اجتماعی می‌دانست.
۲۷۱. گزینه ۴)

دلیل صحت گزینه ۴:

ماکس وبر، جامعه‌شناس آلمانی، در آثار خود از الگوهای آرمانی (Ideal Types) به عنوان ابزاری برای مطالعات تطبیقی استفاده می‌کرد. الگوهای آرمانی نوعی مدل‌های ذهنی هستند که وبر برای توصیف و مقایسه پدیده‌های اجتماعی از آنها استفاده می‌کرد. این الگوها نمایش کاملی از واقعیت نیستند، بلکه تجسمی انتزاعی از ویژگی‌های اصلی یک پدیده اجتماعی خاص هستند. هدف وبر از تدوین الگوهای آرمانی ساختن ابزاری بود که به او کمک می‌کرد تا شباهت‌ها و تفاوت‌های بین پدیده‌های اجتماعی مختلف را به طور واضح‌تر درک کند.

او با استفاده از الگوهای آرمانی می‌توانست ویژگی‌های کلیدی هر پدیده را مشخص کند و آنها را با یکدیگر مقایسه کند.

دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۱: وبر به دنبال معرفی یک جامعه آرمانی به معنای جامعه‌ای کامل و بدون نقص نبود. الگوهای آرمانی او ابزاری برای تجزیه و تحلیل جامعه بودند، نه برای ارائه یک مدل مطلوب از جامعه.
- گزینه ۲: اگرچه وبر در آثار خود به مفهوم عقلانیت می‌پردازد، اما هدف اصلی او از تدوین الگوهای آرمانی تبیین عقلانیت به طور کلی نبود.
- گزینه ۳: وبر در آثار خود به بوروکراسی به عنوان نوعی ساختار سازمانی می‌پردازد، اما هدف اصلی او از تدوین الگوهای آرمانی تبیین بوروکراسی به طور خاص نبود.

۲۷۲. گزینه ۴)

دلیل صحت گزینه ۴:

ماکس وبر، جامعه‌شناس آلمانی، در نظریه کنش اجتماعی خود، معناداری را به عنوان ویژگی اصلی کنش اجتماعی معرفی می‌کند. فرد در هنگام انجام کنش اجتماعی، اهداف، باورها و ارزش‌های خود را در نظر می‌گیرد و بر اساس آنها عمل می‌کند.

دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۱: وبر معتقد بود که کنش اجتماعی موضوع اصلی جامعه‌شناسی است و جامعه‌شناس باید به معنای کنش‌های اجتماعی توجه کند.
- گزینه ۲: وبر کنش اجتماعی را دارای دو جنبه عینی و ذهنی می‌دانست. جنبه عینی کنش اجتماعی به رفتار قابل مشاهده فرد اشاره دارد، در حالی که جنبه ذهنی کنش اجتماعی به معنایی است که فرد برای آن رفتار قائل می‌شود.
- گزینه ۳: وبر روش درون فهمی (Verstehen) را برای مطالعه کنش‌های اجتماعی ضروری می‌دانست. روش درون فهمی به معنای تلاش برای درک معنای کنش‌های اجتماعی از دیدگاه بازیگر است.



بنابراین، وبر معتقد بود که کنش اجتماعی فقط به معنای رفتار کاملاً معنادار نیست، بلکه شامل رفتارهایی است که توسط بازیگر از نظر معنایی درک و تفسیر می‌شوند.

۲۷۳. گزینه ۳)

دلیل صحت گزینه ۳:

ماکس وبر، جامعه‌شناس آلمانی، از نمونه‌های آرمانی (Ideal Types) به عنوان ابزاری برای مطالعات تطبیقی استفاده می‌کرد. نمونه‌های آرمانی نوعی مدل‌های ذهنی هستند که وبر برای توصیف و مقایسه پدیده‌های اجتماعی از آنها استفاده می‌کرد. این نمونه‌ها نمایش کاملی از واقعیت نیستند، بلکه تجسمی انتزاعی از ویژگی‌های اصلی یک پدیده اجتماعی خاص هستند. وبر معتقد بود که نمونه‌های آرمانی با مفهوم علیت جزئی با تحلیلی پیوند دارند. به این معنا که نمونه‌های آرمانی به ما کمک می‌کنند تا عوامل اصلی که در شکل‌گیری یک پدیده اجتماعی نقش دارند را شناسایی و تحلیل کنیم.

با استفاده از نمونه‌های آرمانی می‌توانیم تاثیر هر عامل را به طور جداگانه بررسی کنیم و نقش آنها را در تبیین پدیده مورد نظر درک کنیم. دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۱: وبر معتقد بود که نمونه‌های آرمانی تابع زمان و مکان هستند. به این معنا که نمونه‌های آرمانی در شرایط خاص تاریخی و فرهنگی شکل می‌گیرند و ممکن است در شرایط دیگر قابل تعمیم نباشند.
- گزینه ۲: همانطور که قبلاً توضیح داده شد، نمونه‌های آرمانی با مفهوم علیت جزئی با تحلیلی پیوند دارند، نه با مفهوم علیت نام.
- گزینه ۴: وبر معتقد بود که نمونه‌های آرمانی ابزاری برای تجزیه و تحلیل علمی هستند، نه نمونه‌های اخلاقی و فاضله. هدف وبر از تدوین نمونه‌های آرمانی ارائه یک مدل ایده‌آل از جامعه نبود، بلکه درک عمیق‌تر پدیده‌های اجتماعی بود.

۲۷۴. گزینه ۱)

دلیل صحت گزینه ۱:

برنشتاین، جامعه‌شناس بریتانیایی، اصطلاح کدهای زبانی گسترده (Elaborated Codes) را در نظریه بازتولید فرهنگی خود مطرح کرد.

برنشتاین معتقد بود که زبان فقط ابزاری برای برقراری ارتباط نیست، بلکه بازتابی از موقعیت اجتماعی افراد نیز هست.

او دو نوع کد زبانی را تعریف کرد:

- کدهای زبانی محدود (Restricted Codes): این کدها زبانی ساده و غیررسمی هستند که بیشتر در طبقات کارگر استفاده می‌شوند.
- کدهای زبانی گسترده: این کدها زبانی پیچیده و رسمی هستند که بیشتر در طبقات متوسط و بالا استفاده می‌شوند. برنشتاین استدلال کرد که کودکان در خانواده‌های طبقات کارگر بیشتر در معرض کدهای زبانی محدود قرار می‌گیرند، در حالی که کودکان در خانواده‌های طبقات متوسط و بالا بیشتر در معرض کدهای زبانی گسترده قرار می‌گیرند. این امر می‌تواند منجر به عدم برابری آموزشی شود، زیرا کودکانی که به کدهای زبانی گسترده تسلط ندارند ممکن است در مدرسه که از این کدها استفاده می‌کند، با مشکل مواجه شوند.

دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۲: ویلیس، جامعه‌شناس بریتانیایی، بیشتر به خاطر مفهوم "مدرسه به مثابه یک فرهنگ" شناخته می‌شود.
- گزینه ۳: گیدنز، جامعه‌شناس انگلیسی، بیشتر به خاطر نظریه ساختارمندش شناخته می‌شود.
- گزینه ۴: کازنو، جامعه‌شناس فرانسوی، بیشتر به خاطر مفهوم "قدرت نمادین" شناخته می‌شود.

۲۷۵. گزینه ۲)

دلیل صحت گزینه ۲:

نظریه کنش متقابل نمادین (Symbolic Interactionism) بر این باور است که انسان‌ها در فرایند اجتماعی شدن نقش فعالی ایفا می‌کنند.

بر اساس این نظریه، اجتماعی شدن فرایندی است که طی آن افراد معانی، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه را از طریق تعامل با دیگران می‌آموزند و درونی می‌کنند.

در این فرایند، افراد به طور فعال در تفسیر و بازتولید معانی دخیل هستند و نقش خود را در جامعه شکل می‌دهند.



نقاط کلیدی نظریه کنش متقابل نمادین در رابطه با نقش فعال انسان در فرایند اجتماعی شدن عبارتند از:

- تأکید بر معانی و نمادها: کنش متقابل نمادین بر اهمیت معانی و نمادها در زندگی اجتماعی تأکید می‌کند. افراد از طریق تفسیر نمادها و معنادار کردن کنش‌های یکدیگر با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند.
 - نقش فعال افراد: در این نظریه، افراد موجوداتی منفعل نیستند که صرفاً تحت تأثیر جامعه قرار می‌گیرند. بلکه آنها نقش فعالی در شکل‌دهی به هویت و جایگاه خود در جامعه ایفا می‌کنند.
 - کنش متقابل: کنش متقابل به معنای تعاملات دوطرفه بین افراد است. در این تعاملات، افراد معانی و هنجارها را به یکدیگر انتقال می‌دهند و در درک خود از یکدیگر و جهان سهیم می‌شوند.
- دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:
- گزینه ۱: کارکردگرایی بر نقش جامعه در شکل‌دهی به هویت و رفتار افراد تأکید می‌کند، اما نقش فعال افراد را به اندازه نظریه کنش متقابل نمادین مورد توجه قرار نمی‌دهد.
 - گزینه ۳: نظریه تضاد و کشمکش بر نقش تضاد و نابرابری در جامعه تأکید می‌کند، اما نقش فعال افراد در فرایند اجتماعی شدن را به طور کامل مورد بررسی قرار نمی‌دهد.
 - گزینه ۴: نظریه مبادله بر مبادلات و محاسبات عقلانی افراد در زندگی اجتماعی تأکید می‌کند، اما نقش معانی و نمادها در فرایند اجتماعی شدن را به اندازه نظریه کنش متقابل نمادین مورد توجه قرار نمی‌دهد.

گزینه ۱) ۲۷۶.

دلیل صحت گزینه ۱:

تالکوت پارسونز، جامعه‌شناس آمریکایی، در نظریه نظام اجتماعی خود، جامعه را به عنوان یک سیستم پیچیده از ساختارهای به هم پیوسته در نظر می‌گیرد.

هر ساختار در این سیستم کارکرد خاصی را برای حفظ و تداوم جامعه ایفا می‌کند. پارسونز معتقد بود که ساختار اقتصادی در جامعه وظیفه تطبیق با محیط را بر عهده دارد. به این معنا که ساختار اقتصادی به نیازهای جامعه برای بقا و پیشرفت پاسخ می‌دهد و منابع لازم را برای تطبیق با شرایط محیطی فراهم می‌کند.

نقش ساختار اقتصادی در تطبیق با محیط از نظر پارسونز شامل موارد زیر است:

- تولید و توزیع کالاها و خدمات: ساختار اقتصادی وظیفه تولید کالاها و خدمات مورد نیاز جامعه و توزیع عادلانه آنها را بر عهده دارد.
- نوآوری و پیشرفت: ساختار اقتصادی باید توانایی نوآوری و پیشرفت را داشته باشد تا بتواند با تغییرات محیطی سازگار شود.
- مدیریت منابع: ساختار اقتصادی باید منابع موجود را به طور کارآمد مدیریت کند و از هدر رفتن آنها جلوگیری کند.

دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۲: ساختار سیاسی وظیفه حفظ نظم و ثبات در جامعه و توزیع قدرت را بر عهده دارد.
- گزینه ۳: عرف به مجموعه‌ای از هنجارها و ارزش‌های مشترک در جامعه اشاره دارد که رفتار افراد را تنظیم می‌کند.
- گزینه ۴: دین به مجموعه‌ای از باورها و اعمال مذهبی اشاره دارد که معنای زندگی را برای افراد فراهم می‌کند.

گزینه ۲) ۲۷۷.

دلیل صحت گزینه ۲:

گئورگ زیمل، جامعه‌شناس آلمانی، در نظریه هندسه اجتماعی خود، جامعه را از نظر ساختار و روابط بین افراد مورد بررسی قرار می‌دهد. زیمل معتقد بود که تعداد افراد در یک گروه بر نوع روابط و کنش‌های متقابل بین آنها تأثیر می‌گذارد.

او در مورد گروه دو نفره استدلال می‌کرد که در این گروه حیات فراشخصی وجود ندارد. به این معنا که افراد در یک گروه دو نفره نمی‌توانند هویتی مستقل از یکدیگر داشته باشند و کنش‌های آنها به طور کامل تحت تأثیر یکدیگر قرار می‌گیرد.

دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۱: زیمل معتقد بود که گروه سه نفره بر کنش متقابل غیرمستقیم استوار است. به این معنا که افراد در یک گروه سه نفره می‌توانند مستقل از یکدیگر با دو نفر دیگر در گروه ارتباط برقرار کنند.
- گزینه ۳: زیمل معتقد بود که در گروه سه نفره امکان تشکیل ائتلاف بین دو نفر علیه نفر سوم وجود دارد، که به اظهار فردیت منجر می‌شود.



- گزینه ۴: زیمل دیالکتیک آزادی و الزام را به گروه سه نفره نسبت می‌داد، نه به گروه دو نفره. او معتقد بود که در گروه سه نفره، افراد بین آزادی عمل و الزام به رعایت هنجارهای گروه در حال نوسان هستند. (گزینه ۴). ۲۷۸
- دلیل صحت گزینه ۴:
امیل دورکیم، جامعه‌شناس فرانسوی، در نظریه همبستگی اجتماعی خود، جامعه را به عنوان یک موجود زنده در نظر می‌گیرد که از طریق تقسیم کار به هم پیوسته و منسجم می‌شود. دورکیم معتقد بود که تقسیم کار در جوامع مدرن اجتناب‌ناپذیر است و منجر به تخصصی شدن وظایف و افزایش کارایی می‌شود. با این حال، دورکیم هشدار می‌داد که تقسیم کار افراطی می‌تواند همبستگی اجتماعی را به خطر بیندازد. او دو نوع همبستگی اجتماعی را تعریف کرد:
- همبستگی مکانیکی: این نوع همبستگی در جوامع سنتی وجود دارد و بر اساس شباهت‌ها بین افراد، مانند خونایی، قومیت و باورهای مذهبی است.
- همبستگی ارگانیکی: این نوع همبستگی در جوامع مدرن وجود دارد و بر اساس تفاوت‌ها بین افراد، مانند تخصص‌ها و وظایف آنها است. دورکیم معتقد بود که تقسیم کار می‌تواند به ایجاد اشکال جدیدی از همبستگی اجتماعی منجر شود، مانند همبستگی صنفی و همبستگی ملی.
- این اشکال جدید همبستگی بر اساس وابستگی متقابل بین افراد در نقش‌های مختلف اجتماعی استوار هستند. دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:
- گزینه ۱: دورکیم معتقد بود که تقسیم کار می‌تواند به تقویت یافت فرهنگی جامعه منجر شود، زیرا تخصص‌ها و دانش‌های جدید را به ارمغان می‌آورد.
- گزینه ۲: دورکیم معتقد بود که فردگرایی می‌تواند پیامد مثبت تقسیم کار باشد، زیرا به افراد استقلال و آزادی عمل بیشتری می‌دهد.
- گزینه ۳: دورکیم معتقد بود که تقسیم کار افراطی می‌تواند همبستگی اجتماعی را ضعیف کند، اما از بین بردن کامل آن را محتمل نمی‌دانست. (گزینه ۳). ۲۷۹
- دلیل صحت گزینه ۳:
کارل مارکس، فیلسوف و جامعه‌شناس آلمانی، در نظریه ماتریالیسم دیالکتیک خود، جامعه را بر اساس ساختار اقتصادی آن تحلیل می‌کند. مارکس معتقد بود که رابطه میان انسان‌ها و ابزار تولید مبنای اصلی نظام‌های قشربندی اجتماعی است. او استدلال می‌کرد که مالکیت ابزار تولید به گروهی از افراد (طبقه حاکم) قدرت و امتیاز می‌دهد و گروهی دیگر (طبقه محروم) را از منابع و فرصت‌ها محروم می‌کند. نقش رابطه میان انسان‌ها و ابزار تولید در نظام‌های قشربندی اجتماعی از نظر مارکس شامل موارد زیر است:
- کنترل منابع: طبقه حاکم با مالکیت ابزار تولید به منابع (مانند زمین، مواد اولیه و ماشین‌آلات) دسترسی انحصاری دارد.
- استثمار: طبقه حاکم از طبقه محروم برای تولید کالا و خدمات استثمار می‌کند و سود حاصل از آن را به خود اختصاص می‌دهد.
- تضاد طبقاتی: تفاوت در مالکیت ابزار تولید منجر به تضاد و درگیری بین طبقه حاکم و طبقه محروم می‌شود. دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:
- گزینه ۱: نبرد طبقاتی پیامد نظام‌های قشربندی اجتماعی است، نه مبنای آنها.
- گزینه ۲: میزان آگاهی طبقاتی می‌تواند نقش مهمی در تشدید یا کاهش تضاد طبقاتی ایفا کند، اما مبنای نظام‌های قشربندی اجتماعی نیست.
- گزینه ۴: رابطه میان کارگران و سرمایه‌داران نمونه‌ای از رابطه میان انسان‌ها و ابزار تولید است، اما خود به تنهایی مبنای نظام‌های قشربندی اجتماعی نیست. (گزینه ۴). ۲۸۰
- دلیل صحت گزینه ۴:
جورج کلاید هومنز، جامعه‌شناس آمریکایی، در نظریه تبادل خود، رفتار انسان را بر اساس مبادله بین افراد و محیط آنها تبیین می‌کند. هومنز معتقد بود که افراد به دنبال کاهش تنش و افزایش رضایت خود هستند و این کار را از طریق مبادله با دیگران انجام می‌دهند.



قضیه محرومیت - سیری یکی از قوانین اصلی نظریه تبادل هومنز است.

این قضیه بیان می‌کند که:

- ارزش یک پاداش برای یک فرد، با توجه به میزان دریافت آن پاداش در گذشته تعیین می‌شود.
- هر چه یک فرد در گذشته پاداش معینی را بیشتر دریافت کرده باشد، همان پاداش در آینده برایش کم ارزش‌تر خواهد شد.

مثال:

فرض کنید فردی به طور مرتب هدیه نقدی دریافت می‌کند. در ابتدا، این هدایا برای او بسیار ارزشمند هستند و او از دریافت آنها احساس خوشحالی می‌کند. اما با گذشت زمان و دریافت هدایای نقدی بیشتر، ارزش این هدایا برای او کاهش می‌یابد و دیگر مانند قبل برای او خوشایند نیستند. دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

- قضیه محرک: این قضیه به شرایطی اشاره دارد که انگیزه یک فرد برای انجام یک عمل افزایش می‌یابد.
- قضیه ارزش: این قضیه به نحوه ارزیابی پاداش‌ها توسط افراد می‌پردازد.
- قضیه موفقیت: این قضیه به رابطه بین تلاش و نتیجه می‌پردازد.

گزینه ۲. ۲۸۱

دلیل صحت گزینه ۲:

- تعادل خالص: این مفهوم توسط رابرت مرتون، جامعه‌شناس آمریکایی، در نظریه کارکردگرایی انحراف ارائه شده است. مرتون استدلال می‌کرد که جامعه دارای مجموعه‌ای از هنجارها و ارزش‌ها است که عملکردهای مثبتی برای تداوم و ثبات آن دارند. با این حال، ممکن است برخی افراد از این هنجارها تخطی کنند و رفتار انحرافی از خود نشان دهند. مرتون چهار نوع انحراف را بر اساس رابطه بین رفتار و اهداف افراد و هنجارهای جامعه تعریف کرد:
- انطباق: رفتاری که مطابق با هنجارها و اهداف جامعه باشد.
- نوآوری: رفتاری که مطابق با هنجارها نیست، اما اهداف جامعه را تأمین می‌کند.
- تشریف‌پرستی: رفتاری که مطابق با هنجارها نیست، اما اهداف جامعه را تأمین نمی‌کند.
- طغیان: رفتاری که نه مطابق با هنجارها است و نه اهداف جامعه را تأمین می‌کند.
- تعادل خالص به وضعیت‌ای اشاره دارد که در آن عملکردهای مثبت هنجارها بیشتر از عملکردهای منفی آنها باشد. به عبارت دیگر، جامعه با وجود وجود انحراف، توانایی حفظ ثبات و کارکرد خود را حفظ می‌کند.
- هم‌گروهی‌های آمرانه تنظیم شده: این مفهوم توسط رالف دارندورف، جامعه‌شناس آلمانی، در نظریه تضاد ارائه شده است. دارندورف معتقد بود که جامعه از گروه‌های اجتماعی با سطح قدرت و ثروت متفاوت تشکیل شده است. گروه‌های قدرتمند (طبقه حاکم) از قدرت خود برای کنترل منابع و فرصت‌ها و تثبیت موقعیت خود در جامعه استفاده می‌کنند. هم‌گروهی‌های آمرانه تنظیم شده به گروه‌هایی اشاره دارد که توسط گروه‌های قدرتمند کنترل می‌شوند و اجازه ندارند در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌های جامعه نقش مؤثری داشته باشند. این گروه‌ها مجبور به اطاعت از قوانین و هنجارهایی هستند که توسط گروه‌های قدرتمند وضع شده‌اند.

دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۱: کالینز مفهوم تعادل خالص را ارائه نکرده است. پارسونز مفهوم هم‌گروهی‌های آمرانه تنظیم شده را ارائه نکرده است.
- گزینه ۳: گرامشی مفهوم تعادل خالص را ارائه نکرده است. مرتون مفهوم هم‌گروهی‌های آمرانه تنظیم شده را ارائه نکرده است.
- گزینه ۴: دارندورف مفهوم تعادل خالص را ارائه نکرده است. کالینز مفهوم هم‌گروهی‌های آمرانه تنظیم شده را ارائه نکرده است.

گزینه ۳. ۲۸۲

دلیل صحت گزینه ۳:

تاکوت پارسونز، جامعه‌شناس آمریکایی، در نظریه نظام اجتماعی خود، جامعه را به عنوان یک سیستم پیچیده از ساختارهای به هم پیوسته در نظر می‌گیرد. هر ساختار در این سیستم کارکرد خاصی را برای حفظ و تداوم جامعه ایفا می‌کند. واحدهای بنیادی در نظریه نظام اجتماعی پارسونز نقش‌ها هستند. نقش به مجموعه‌ای از انتظارات و رفتارهای متناسب با یک موقعیت اجتماعی خاص اشاره دارد.



پارسونز معتقد بود که نقش‌ها از طریق دو عنصر اصلی تعریف می‌شوند:

- منزلت: ارزش و جایگاه اجتماعی یک نقش.
- کنش: رفتارها و مسئولیت‌هایی که با یک نقش مرتبط هستند.
- ارتباط بین نقش و منزلت در نظریه پارسونز به شرح زیر است:
- منزلت به نقش معنا و ارزش می‌دهد.
- نقش به منزلت تجسم عملی می‌بخشد.

مثال:

نقش یک پزشک دارای منزلت بالایی در جامعه است.

این منزلت به دلیل مهارت‌ها و دانش مورد نیاز برای انجام این نقش و همچنین نقش مهمی که در سلامت جامعه ایفا می‌کند، به آن تعلق می‌گیرد.

پزشک در ازای منزلت خود، مسئولیت‌هایی مانند تشخیص و درمان بیماری‌ها و ارائه مراقبت‌های بهداشتی به بیماران را بر عهده دارد.

دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۱: نظارت به مکانیسم‌هایی اشاره دارد که انطباق افراد با هنجارهای اجتماعی را تضمین می‌کنند. نظارت عنصر مستقلی در نظریه نقش پارسونز نیست، بلکه بخشی از فرایند ایفای نقش است.
- گزینه ۲: کارکرد به وظیفه‌ای اشاره دارد که یک ساختار اجتماعی برای تداوم جامعه انجام می‌دهد. کارکرد عنصر مستقلی در نظریه نقش پارسونز نیست، بلکه نتیجه ایفای نقش توسط افراد است.
- گزینه ۴: کنشگر به فردی اشاره دارد که نقش را ایفا می‌کند. کنشگر عنصر مستقلی در نظریه نقش پارسونز نیست، بلکه بخشی از فرایند ایفای نقش است.

۲۸۳. گزینه ۱)

دلیل صحت گزینه ۱:

آنتونی گیدنز، جامعه‌شناس انگلیسی، در نظریه ساختارمندایی خود، جامعه را به عنوان یک فرایند مداوم ساخت و بازتولید روابط اجتماعی در نظر می‌گیرد.

گیدنز معتقد بود که کنشگران (افراد) با استفاده از دانش و آگاهی خود ساختارهای اجتماعی را ایجاد، تغییر و بازتولید می‌کنند.

زمان و مکان دو متغیر کلیدی در نظریه گیدنز هستند که نحوه کنش افراد و ساختارهای اجتماعی را تعیین می‌کنند:

- زمان: گیدنز معتقد بود که کنشگران در لحظات حال با توجه به تجربیات گذشته و انتظارات آینده تصمیم‌گیری می‌کنند. این امر به پویایی و تغییر دائمی در جامعه منجر می‌شود.
- مکان: گیدنز معتقد بود که کنشگران در مکان‌های خاص با منابع و فرصت‌های متفاوت کنش می‌کنند. این امر به تنوع و تفاوت‌های فرهنگی در جامعه منجر می‌شود.

مثال:

فرض کنید دو نفر در حال صحبت با یکدیگر هستند.

این افراد در لحظه‌ای خاص (زمان) و در مکانی خاص (مثلاً یک کافه) با استفاده از دانش و آگاهی خود (عاملیت) و با توجه به هنجارها و انتظارات اجتماعی (ساختار) با یکدیگر کنش می‌کنند.

دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۲: عاملیت و ساختار دو مفهوم کلیدی در نظریه گیدنز هستند، اما به تنهایی متغیرهای تعیین کننده به شمار نمی‌روند. گیدنز معتقد بود که عاملیت و ساختار در یک رابطه دیالکتیکی با یکدیگر تعامل دارند و بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند.
- گزینه ۳: قدرت و ذهنیت مفاهیم مهمی در نظریه گیدنز هستند، اما متغیرهای تعیین کننده به شمار نمی‌روند. گیدنز معتقد بود که قدرت در ساختارهای اجتماعی توزیع می‌شود و ذهنیت افراد توسط ساختارهای اجتماعی شکل می‌گیرد.
- گزینه ۴: آگاهی عملی و عملکرد مفاهیم مهمی در نظریه گیدنز هستند، اما متغیرهای تعیین کننده به شمار نمی‌روند. گیدنز معتقد بود که آگاهی عملی به افراد کمک می‌کند تا کنش‌های خود را در زمان و مکان تنظیم کنند و عملکرد به کنش‌های انسان در جهان واقعی اشاره دارد.